

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵۵۵

۱

۱۶۵

امین

عِلَّاهُ الرِّضَا
مَنَاجَاتُ

www.ketab.ir

سرشناسه: انصاری، عبدالله بن محمد - ۳۹۶ - ۴۸۱ ق.

عنوان قرارداد: مناجات نامه

عنوان و نام پدیدآور: مناجات نامه و الهی نامه خواجه عبدالله انصاری

ترکیب خوشنویسی: نفیسه السادات سیدی

مشخصات نشر: قم، آوای منجی، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۶۰

شابک: ۴۰۰۰۰۰ ریال: ۶-۰۹۳-۰۴۲۰-۶۰۰-۹۷۸ ISBN

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: مناجات

موضوع: نثر فارسی - قرن ۵ ق

موضوع: شعر فارسی - قرن ۵ ق

شناسه افزوده: جینور لنگرودی - نصیر، ۱۳۵۷ - ویراستار

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ م ۸ الف ۲۷۱/۸ BP

رده بندی دهی: ۲۹۷/۷۷۸

سماره کتابخانه ملی: ۱۶۸۲۵۰۳

نام کتاب: مناجات نامه و الهی نامه خواجه عبدالله انصاری

ناشر: آوای منجی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

ترکیب و خوشنویسی: نفیسه السادات سیدی

ویراستار: نصیر جینور لنگرودی

شمارگان: پانصد عدد

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۶-۰۹۳-۰۴۲۰-۶۰۰-۹۷۸ ISBN

چاپخانه: احسان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می باشد.

قم: خیابان معلم - معلم ۱۰ - کوچه ۵ (شعید فلسفی) پلاک ۴ - انتشارات آوای منجی

همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶ - ۰۹۱۲۳۹۰۸۴۷۵ - تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۳۶۹۱۳

www.mobineandishe.com

www.mobineandishe.ir

سخن‌باش

ابو اسماعیل، عبدالله ابن ابی منصور انصاری، معروف به پیر هرات، از علمای نام‌آور
 شریعت و پیران و رب‌روی با حقیقت و طریقت است که باشش واسطه به ابو ایوب
 انصاری می‌رسد، ابو ایوب انصاری، از صحابه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است
 که صاحب رحل رسول الله صلی الله علیه و آله بوده و زمانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از مکه به
 مدینه هجرت نمود، همه اصحاب و شیعیان با او بودند تا به خانه آنها وارد شود، اما حضرت فرمودند: «هر جا
 شتر فرو داید، من آنجا در آمم». شتر حضرت بر در خانه ابو ایوب نشست و حضرت به خانه
 ابو ایوب درآمد.

خواجه نامش عبدالله و کنیه اش اسماعیل و لقبش به شیخ الاسلام به سال ۳۹۸ در غروب
 آفتاب روز جمعه، دوم شعبان، در قریه قنندریا که نزد ازبک‌ها و طوس در زمان خلافت
 القادر بالله عباسی دیده به جهان گشود و در سال ۴۸۱ هجری پس از ۸۴ سال روزگاری بزرگت
 دیده از جهان فرو بست و آرامگاهش در بقعه کازرگاه هرات که اکنون معروف به
 «بزرگاه» است قرار دارد و زیارتگاه مشتاقان و ارادتمندان اومی باشد.

این پیر روشن ضمیر، دارای حافظه‌ای بس خارق العاده بوده و آن طور که خودش

گفته: (هرچاقلم من بگذرد، آن را خط می کنم). در «فوائد الرضویة» از ایشان نقل شده است که: «خواجہ علیہ الرحمہ گفت: سید ہزار حدیث و ہزار ہزار سند خط کرده ام».

خواجہ عبد اللہ انصاری کہ مقامی شایستہ در عرفان اردو نام نر آوازہ اش در اقطع زمین و زمان چمیدہ، عارفی وارثہ و ساکی است آراستہ و صاحب کرامات فراوان. در علم و دانش قدرت بیان و کلمات شیرین و عبارات زیبا و نمکین، مطالبی خلق کردہ کہ موسی در دمندان و انیس و جلس منبش شیفۃ دلان و گوشہ نشینان است کلامش شبی سخنانش آتشین؛ زیرا آنچہ از دل برخاستہ، در دل ہائستہ و راہی بس عمیق بہ وجود آورده کہ با ادای آن سوز ہا بر می خیزد و ہر شنوندہ را با آتشی خالصانہ کرم و سوزندہ و پرا حساس می کند و در تپایی وجودش را مسخر می نماید.

سخنانش اگرچہ اکثر اہ صورت نثر سجع و مقفی است ولی سادہ، روان و شیواست و از این رو مطلوب دل ہا و مورد پسند سوختہ دلان، سودا و دکان و حق طلبان است. گفتارش، صفا بخش محفل در دمندان و آثارش، آرام بخش روح و جان است. آثار این پیر بزرگوار و این مرشد صاحب کرامات، خواجہ عبد اللہ انصاری، بہ کرات چاپ و در دسترس علاقمندان قرار گرفتہ است.

خواجہ دتقویٰ عبادت، ریاضت و حفظ حقوق دیگران، در عصر خود بی مثال بی نظیر بود، به آنچه می گفت عمل می نمود. عارف و خداشناس بود، ارادتمندانش، باین فضایل ملکوتی و انسانی و عرفانی او چون پروانه به دور شمع وجودش می گشتند و از محضرش کسب فیض می نمودند.

خواجہ عبداللہ فرزند محمد و از اعیان (مُت: به فتح م و تشدید تاء، نام پسر ایوب می باشد) انصاری است که در زمان خلافت عثمان به اتفاق حُفّ ابن قیس به خراسان رفت و در آنجا زندگی نمود. وی حتی لحظه ای از عمر کرانقدر خود را به بطالت و بیوادی تلف نکرد تا جایی که از طاع سبزه دم تا پاسی از نیمه شب، وقت خود را به قرائت آیات کلام اللہ مجید و تامل در آن سپری می کرد و یادگزار عالمان به موعظه ها و گفته های آنان گوش فرامی داد. وی از او ان کودکی دارای استعدادی قوی دینی پویا بود تا ده سالگی تحت راهنمایی پدر خود به فراگیری تعلیمات مبدول علم دینی پرداخت. خواجہ عبداللہ انصاری در اثر ذکاوت و استعداد خود در کمترین زمان بسیاری از علوم دینی و ادبی را فرا گرفت و مطالعات بسیار عمیقی داشت همین بود که وی به نام یک عالم و عارف آگاه شهرت یافت و علامتداندان بسیاری از گوشه و کنار به دورش گرد آمدند و از محضرش کسب فیض و استفاده معنوی می نمودند.